

# مشاهیر افغانستان

## مشاهیر افغانستان

بقلم آقای م کریم خان نزهی

**الهروی:** بقراریکه نگاشته اند، اسم وی عبدالمجید بن اسماعیل بن محمد قیسی الهروی بنظر میرسد. اصل وی ازهرات است، و در ماوراءالنهر تفقه و تحصیل علم فقه نموده، و از فقهای مبرز مذهب حنفی بشمار میرود. روزگاری مسافرت در بغداد، بصره، همدان و بلاد الروم بسر برده، و در آن نواحی و دیار به تدریس می پرداخت. و نویسند: زمانی در بلاد الروم متقلد امور قضای آن سرزمین گشته، و نادری بمنصب مذکور اشتغال داشت. و از آنرو اکثریه در کتب سیر، تواریخ، رجال و معاجم شیوخ او را بلقب قاضی الروم، متذکر و یاد آور شده اند.

و پس از زمانی بسال (۵۳۴). پنجصد و سی و چهار هجری از آند یار رحل اقامت بر بسته، وارد دمشق الشام گردید، و فاتش باصح روایات بسال ۵۳۷ پنجصد و سی و هفت هجری مطابق ۱۱۴۲ یکهزار و یکصد و چهل دو مسیحی. بقیساریه وقوع یافته که آخرین ایام زندگانی خود را در آنجا بسر میبرد. در اصول و فروع فقه تصانیف متعددی دارد.

ملیحی هروی: اسم، لقب و کنیه و نسب وی قرار نگارش علامه جلال الدین سیوطی در بغیة الوعاة (که به نسبت سائر معجم نویسان

بیشتر تتبع نموده ( عبدالواحد بن احمد بن ابوالقاسم بن محمد بن داؤود بن ابی حاتم ابو عمر الملیحی ( باحاء مهمله ) الهروی است. او از متشخصین ادب عربی و مشاهیر ادبای قرن پنجم هجری بشمار میرود. و بعلاوه علوم ادبیه حدیث را نیز از ابو عبید هروی ( صاحب غریبین ) فرا گرفته، براعتی در آن زمینه حاصل نموده است. و از اهل حدیث و ادب هر دو محسوب میشود.

وفاتش با اتفاق مورخین بسال ( ۴۶۳ ) چهارصد و شصت و سه هجری مطابق ( ۱۰۷۰ ) یکهزار و هفتاد مسیحی با اتفاق پیوسته. توالیف و آثار متعددی دارد. و از انجمله یکی الرد علی ابی عبید ( در غریب قرآن ) مراد از ابو عبید درینجا همان ابو عبیده معمر بن المثنی التمیمی البصری ( متوفی ۲۱۰ هـ ) است ( که در اکثریه کتب سهواً ابو عبید ( بدون ها ) نوشته آمده و مشارالیه نظر بر روایت حاج خلیفه نخستین کسی بود که کتابی در غریب قرآن تالیف نمود ( رجوع شود بکشف الظنون ج دوم ص ۱۵۵ ) و دیگری روضه ( که محتوی و مشتمل بر هزار حدیث صحیح، هزار حدیث غریب، هزار حکایت و هزار بیت شعر ) از امهات تصانیف اوست که در کتب تواریخ و رجال از آن اسم برده اند و بنظر میرسد.

ابوالحسن علی بن ابی بکر علی الهروی نزیل حلب از مشاهیر الهروی :

سیاحین عصر خود بوده است. نظر بر روایت علامه

قاضی احمد بن خلکان ( دروفیات الاعیان ) اصل وی از هرات است و در موصل تولد یافته. شخصی رحاله، جهانگرد و مؤرخ بود، همواره بسیاحت و مسافرت در بلاد مختلفه بسر برده، بطواف اماکن و زیارات می پرداخت، و جائیکه زیارت و سیاحت آنرا قصد کرده بودی، هیچگاه از آن منصرف و تارك آن نشدی. بر و بحر، زمین هموار و کوهستان صعب العبور همه به نزد وی یکسان بوده، در عزم متین و خلل ناپذیر او و هنر و سستی راه نمی یافت. و علامه ابن خلکان چنانکه

خود مشاهده نموده است. مینویسد که مشارالیه مذکور بموضعی نرسید، مگر اینکه بخط خود در حائط آن چیزی بقسم یادگار نوشته نباشد. وبهین کار شهرت تمامی یافته، ضرب المثل گردیده بود.

وبعلاوه در انواع حیل و شعبده و سیمیا نیز معرفت شایسته را دارا بود، و بواسطه سیطره و تسلط ئیکه در علم سیمیا داشت (۱) به نزد الملك الظاهر غازی ابن السلطان صلاح الدین صاحب حلب (۲) تقرب و تقدم جست، با او برمی برد، و از آنجائیکه سلطان مذکور رعایت خاطر او را داشت، بخارج شهر حلب مدرسه از برای ابوالحسن مزبور بنا نهاد، و در آن مدرسه اطاق و حجرهای متعددی به تعمیر رساند. و وی تا آخر عمر در آن مدرسه اقامت داشت.

تا آنکه در عشره اوسط ماه رمضان سال (۶۱۱) ششصد و یازده هجری مطابق (۱۲۱۵) یک هزار و دویست و یازده مسیحی ازین جهان رخت سفر بر بسته رهسپار بادیه خاموشان گردیده در قبه ئیکه در یکی از نواحی مدرسه مذکور واقع است بخاک سپرده شد، و بقرار روایت الملك الموید عماد الدین (اسماعیل ابوالفدا صاحب حماة) نازمان او تربت وی معروف بوده است.

رو به مرفته بعلاوه فضائی که به نسبت وی نگاشته آمد، در ادبیات نیز مهارتی داشته شخص شاعری بود و اشعار زیادی او را است (۳) و از توالیف معتبره او الاشارات الی معرفت الزیارات، الخطب الهرویه (در مواعظ) و التذکرة الهرویه (در حیل حربی) است که انشاء الله در (آثار محررین افغانستان) شرحی

۱ - وفیات الاشیان ج اول ص ۲۴۷ .  
 ۲ - الملك الظاهر غازی ابن السلطان صلاح الدین یوسف بن ایوب صاحب حلب تولدش به نصف رمضان سال - ۵۶۲ - پنجم و شصت و دو هجری در مصر . و مدت حکمرانی وی در حلب ۲۱ - سی و یک سال بود . و وفاتش بمال - ۶۱۴ - ششصد و سیزده هجری در حلب بانفاق پیوسته .  
 ۳ - تنها در تاریخ ابوالفدا از وجود اشعار و طبع شعری او تذکری بمیان آمده رجوع شود به حوادث سال - ۶۱۱ - ششصد و یازده .

به نسبت آنها نگاشته خواهد آمد .

مرحوم هدایت ( در مجمع الفصحا ) او را خواجه عمید  
غزنوی ؛  
ابن یعقوب کاتب معروف بعطاء رازی قید نموده و ابوالحسن  
علی بن الحسن باخرزی متوفی ( ۴۶۷ ) صاحب دمیة القصر و عصره اهل  
العصر ، اسم ، لقب ، کنیه و نسب وی را ابوالعلاء عطای بن یعقوب الغزنوی  
نگاشته است .

مشار الیه از منشیان او آخر عهد غزنویها و شعرای ذواللسانین است ،  
در فارسی و عربی هر دو اشعار رائق و رشیقی داشته ، از معاصرین سلطان ابراهیم  
ابن مسعود غزنوی است ، و در مدح او قصائدی دارد . با ابوالفرج رونی و مسعود  
سعد سلمان معرفتی داشته و مسعود سعد در مدح و رثاء او قصائد و قطعانی  
سروده است .

در اواخر حیات از منصبی که متکفل آن بود معزول گردیده ، بامر سلطان  
ابراهیم مذکور بصوب هندوستان مسافرت اختیار نمود . و پس از زمانی بروایتی  
در سال ( ۴۷۱ ) چهار صد و هفتاد و یک هجری و بروایت دیگر در سال  
( ۴۹۱ ) چهار صد و نود و یک هجری در آن سرزمین وفات نمود .

و نویسند ؛ دیوانی در شعر فارسی و دیوان دیگری در عربی داشته ، که  
متاسفانه از وجود آنها کنون اثری باقی نمانده است ، و با استثنای چند قصیده  
فارسی که ( در جلد اول مجمع الفصحا و لباب الالباب عوفی ) بنظر میرسد ، باخرزی  
نیز در دمیة القصر ( ۱ ) یکی از قصائد عربی او را که در جواب قصیده ( عمید  
ابوسهل حمدی که برای عمید ابوبکر بن ندونگاشته بود . ) انشاد کرده است قید و  
ضبط نموده که مطلعش اینست :

نظمك المعجز المبارك فالأ - قدسقانا من عليه سلسالاً الخ .

ابوزید احمد بن سهل البلخی ، از کبار متفردین علمای اسلام است ، در علوم شرعیه ، فلسفه ، ادب و فنون شتی دسترس و اطلاع قابل قدری داشته ، و در عصر خود از فضیلتی جامع علوم قدیمه و حدیثه بشمار بود و کاملاً مصنفات خود را بسلک و طریقه فلاسفه نوشته است .

تولدش بسال ( ۲۳۵ ) دو صد و سی و پنج هجری مطابق ( ۸۴۹ ) هشتصد و چهل و نه مسیحی در یکی از قراء بلخ باتفاق پیوسته ، پس از اتمام تحصیلات ، بمسافرت های بعیده و طولانی پرداخته ، باز بوطن خود بلخ عودت نمود . و حاکم آن زمان بنا بر شهرتی که ابوزید مذکور اکتساب کرده بود ، منصب وزارت خود را باو تفویض و تقدیم داشت . ولی وی از قبول وزارت ابا و استنکاف نموده ، بشغل کتابت با کمال خوشی تن برضا داده ، و تا آخرین مرحله حیات بهمان شغل کتابت بسر میبرد .

وفاتش بشب شنبه ( ۲۲ ) ماه ذیقعدة الحرام سیال ( ۳۲۲ ) سه صد و بیست و دوی هجری مطابق ( ۹۳۴ ) نهصد و سی و چهار مسیحی وقوع یافت ، در علوم مختلفه تصانیف متعددی از خود پیادگار گذاشته است . که امهات آن کتاب اقسام العلوم ، کتاب النجوم و التصرف ، اسما الله تعالی و صفاته ، کتاب المختصر فی الفقه ، صور اقالیم اسلامیة ( بقره ای که مینگارند نخستین کتابیست که در رسم و نقشه زمین در عالم اسلام تألیف و تدوین یافته است ) شرایع الادیان ، سیاسة الصغیر ، سیاسة الکبیر ، الاسماء و الکنی و الالقاب ، ما یصح من احکام النجوم ، اقسام علوم الفلسفه ، کتاب الشطرنج ، فضائل البلخ ، اخلاق الامم ( ❖ ) و البدء و التاریخ است و درین کتاب مؤخر الذکر محققین تردید داشته ، اکثریه آنرا از مطهر بن طاهر مقدسی میدانند . ( تا تمام )

\* رجوع شود بکتاب الفهرست لابن الندیم و بغية الوعاة سیوطی که از جمیع مضنفات وی اسم برده اند .